



به مناسبت سالروز قیام بیست و نهم بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز و خواهران عزیز؛ یکی از برجسته‌ترین روزها و مراسمی که این حسینیّه به خود میببیند، روزی است که شما عزیزان از آذربایجان، از تبریز تشریف می‌آورید اینجا؛ روز بیست و نهم بهمن هر سال. آذربایجان برجسته است، مردم آن برجسته‌اند، حوادث آن برجسته است، راه و روش مردم عزیز تبریز و آذربایجان همیشه ایجاد ابتکار و راه‌های نو و حوادث شگفت‌انگیز است. رحمت خدا بر شما، لطف خدا پایدار برای شما.

یک جمله به مناسبت تقارن این ایّام با ایّام شهادت فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبرا (سلام الله علیها) عرض کنیم؛ البته مراسمی که اجرا کردند، مراسم خیلی خوب و مؤثر و مفیدی بود. (۲) من فقط یک جمله عرض میکنم و آن اینکه در فضیلت حضرت صدیقه‌ی کبرا (سلام الله علیها) همه‌ی مسلمین متفقند، شیعه و سنی ندارد. در کتب اهل سنت و شیعه این حدیث آمده است: فاطمة سَيِّدة نِسَاءِ اهل الجَنَّة؛ (۳) این بالاتر از «سَيِّدة نِسَاءِ العالمين» (۴) است؛ [یعنی] سرور زنان بهشت. در بهشت چه کسانی هستند؟ برترین زنان، برجسته‌ترین زنان، مؤمن‌ترین زنان، مجاهدترین زنان، زنان شهید، آنهایی که خدای متعال در قرآن از آنها با عظمت یاد کرده است، همه‌ی اینها در بهشت جمعند؛ آن وقت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) «سَيِّدة نِسَاءِ اهل الجَنَّة» [است]؛ خیلی مقام والا و بالایی است. درس شجاعت، درس فداکاری، درس زهد در دنیا، درس معرفت‌آموزی و معرفت را انتقال دادن به اذهان مخاطبین و دیگران، در مقام معلم دانشور بشر قرار گرفتن، درسهای فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است به همه‌ی بشر. امیدواریم همه‌ی شماها، همه‌ی مردم عزیز آذربایجان و همه‌ی ملت ایران و همه‌ی مسلمین از برکات این بانوی دو عالم بهره‌مند بشوند.

عظمت روز بیست و نهم بهمن حقیقتاً با این تعبیرات کوتاهی که ما میکنیم، رسانده نمیشود؛ بیست و نهم بهمن خیلی با عظمت است. اگرچه جریان مبارزات در سال ۵۶، از قم شروع شد و بعد از تبریز هم در جاهایی اتفاق افتاد اما من به جرئت عرض میکنم که اگر حادثه‌ی بیست و نهم بهمن تبریز در سال ۵۶ نمی‌بود، به احتمال زیاد حادثه‌ی نوزدهم دی قم فراموش میشد و بعد هم آن حوادث دیگر سلسله‌وار به وجود نمی‌آمد؛ یعنی مسیر تاریخ کشور عوض میشد. تبریزی‌ها با قضایای بیست و نهم بهمن، با قیام خود، با فهم درست خود، با اقدام به‌جا و به‌موقع خود، توانستند این حرکت عظیمی را که به بیست و دوم بهمن ۵۷ منتهی شد به وجود بیاورند؛ عظمت این داستان این چنین است.

من یک اشاره‌ای هم بکنم به راه‌پیمایی بیست و دوم بهمن امسال؛ واقعاً بیست و دوم بهمن، هم در تبریز، هم در شهرهای دیگر، هم در تهران - در سرتاسر کشور - امسال یک بیست و دوم بهمن متفاوتی بود. بعد از ۳۹ سال، در ورود به ۴۰ سالگی پیروزی انقلاب، این حرکت عظیم مردمی، شبیه معجزه است. در هیچ جای دنیا هم چنین چیزی وجود ندارد؛ اینکه بعد از این همه سال - قریب چهار دهه - برای روز پیروزی انقلاب، نه دستگاه‌های دولتی، [بلکه] خود مردم وارد میدان بشوند، خیابانها را پُر کنند، خودشان شعار بدهند، حضور خودشان را نشان بدهند و از انقلابشان دفاع کنند، این در هیچ انقلابی از این انقلابهایی که ما می‌شناسیم و در این دو سه قرن اخیر اتفاق افتاده است، وجود



نداشته ؛ در گذشته‌ها هم که به‌طریق‌اولی وجود نداشته ؛ الان هم در هیچ جای دنیا چنین چیزی نیست ؛ این مخصوص ایران است، این مخصوص شما است. و امسال قضایای گوناگون دشمنی‌ها و اقدامات دشمنان از خارج، از داخل، از آمریکا، از بعضی از همسایگان ناخلف بدعهد ما، موجب شد که مردم انگیزه‌ی بیشتری پیدا کردند، وارد میدان شدند و امسال بیست و دوم بهمن متفاوتی را به وجود آوردند. همه‌ی اینها برای ما درس است.

این جمله‌ای که شما در اینجا آوردید [و خواندید] که «انقلابین پاک علمی قیرخ ایل اولوب مأمنی‌میز» (۵) یک واقعیت است ؛ چهل سال است که مأمّن مردم، پرچم برجسته و بلند انقلاب است. این حرف زبان شما، حرف دل ملت ایران است ؛ درست گفتید. و این در حالی است که مردم از برخی از مسائل جاری کشور، انتقاد هم دارند، نه اینکه انتقاد ندارند ؛ ما کاملاً در جریان انتقادهای مردم، گله‌های مردم، شکوه‌های مردم هستیم ؛ به ما هم میگویند ؛ به دیگران هم میگویند، به ما منتقل میشود ؛ اما وقتی پای انقلاب و پای نظام در میان است، مردم این جور وارد میدان میشوند و حرکت میکنند. یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به وجود آمده است که میتوانند تفکیک کنند بین نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری ؛ [باینکه] در یک جا انتقاد دارند، اما از اصل نظامی که به وسیله‌ی انقلاب به وجود آمده است، با همه‌ی وجود دفاع کنند. اینکه میگوییم انتقاد داشته باشند، نه فقط انتقاد از دولت یا قوه‌ی قضائیه یا مجلس ؛ نه، ممکن است کسی از شخص این حقیر هم انتقاد داشته باشد. این انتقاد هیچ منافاتی ندارد با ایستادگی پای نظام اسلامی، نظام انقلابی، نظام «امت و امامت» ؛ نظامی که با انقلاب این ملت و با فداکاری این ملت به وجود آمده است و صدها هزار شهید در راه این نظام در طول این چهل سال به قربانگاه رفته‌اند.

در این مناسبت که با شما عزیزان که از راه دور تشریف آورده‌اید روبه‌رو هستیم، من چند مطلب را تا حدی که وقت اجازه بدهد با شما درمیان میگذارم. شما عزیزانی هستید که کسی مثل بنده از بُن دندان به شماها قهرارادت و محبت و اخلاص دارد ؛ یعنی این صفاتی که در شما هست، این غیرتی که در شما هست، این حرکت آشکار انقلابی‌ای که در شما وجود دارد و احساس میشود و نه فقط در زبان، [بلکه] انسان در عمل آن را میبیند، هرکسی را مجذوب میکند. بنده هم از اولین باری که بعد از انقلاب به تبریز آمدم یا به آذربایجان آمدم و برگشتم - که سفرهای متعددی بوده است - به معنای واقعی کلمه این را احساس کردم، همان وقت خدمت امام هم آمدم و گفتم - زمان ریاست‌جمهوری آمدم تبریز، بعد خدمت امام آمدم گفتم - تبریز از جنس دیگری است. مردم تبریز یک حقیقت انقلابی پرشور و پرتوان و توفنده‌ی دیگری را نشان میدهند به انسان ؛ باینکه همه‌ی ملت ایران آن روزها همان شور انقلابی را داشتند، اما تبریز چیز دیگری بود. ما امروز با شما عزیزان تبریزی و آذربایجانی، از شهرهای مختلف آذربایجان، در اینجا روبه‌رو هستیم، [لذا] چند مطلب را عرض میکنم. البته مخاطب ملت ایرانند ؛ همه مخاطبند.

یک مطلب راجع به انقلاب و کارکرد اصلی انقلاب است، یک مطلب راجع به آسیب‌شناسی انقلاب است، یک مطلب - اگر وقت پیدا بشود - بیان اولویتهای و ترجیحهایی است که در این مقطع، انقلاب به ما املا میکند و دیکته میکند که باید آنها را رعایت کنیم، یک مطلب [هم] راجع به آینده‌ی انقلاب است. اینها حرفهای مهمی است، حرفهای لازمی است، طرح آن هم در جمع شما عزیزان - که به معنای واقعی کلمه انقلابی و هوادار انقلاب هستید - به نظر میرسد مناسب‌ترین محل طرح است ؛ یعنی واقعاً اینجا بهترین کار همین است که این چنین مطالبی با افرادی مثل شما مطرح بشود.

راجع به مسئله‌ی انقلاب و کارکرد انقلاب ؛ انقلاب خیلی حرکت بزرگی بود و اعتقاد من این است که ما بعد از گذشت قریب چهل سال از پیروزی انقلاب، هنوز ابعاد این انقلاب و عظمت این انقلاب را درست درک نکرده‌ایم. بعدها آن وقتی که بنشینند و هندسه‌ی انقلاب را از دور نگاه کنند، بیشتر معلوم میشود که این انقلاب چه بود و چه



کرد و چه شد. کارکرد انقلاب خیلی فراوان است؛ خدماتی که انقلاب به ایران کرده است، خدمات بسیار زیادی است و یک فهرست طولانی‌ای در این زمینه وجود دارد -حالا دشمنها میخواهند انکار کنند ولی خب اینها حقایق روشنی است- لکن مهم‌ترین کار اصولی‌ای که انقلاب کرده است، تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار است؛ این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است؛ آن هم با الهام از تعالیم اسلامی، نه با مکتبهای این نظریه‌پرداز و آن نظریه‌پرداز و نقصها و معارضاتی که در حرفهایشان هست؛ نه، با الهام از اسلام، با الهام از قرآن. الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ؛ (۶) نظام الهی در مقابل نظام طاغوتی است و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، نظام الهی را معنا کرد به نظام مردم‌سالاری دینی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ تبدیل کرد نظام طاغوتی را به نظام مردم‌سالار؛ این مهم‌ترین کار است.

مردم‌سالاری یعنی مردم اصلند؛ اصل مردمند؛ نه فقط در تعیین حاکم؛ چون تا میگوییم مردم‌سالاری، ذهن همه میرود به صندوقهای رأی -که خب درست هم هست، تعیین رئیس‌جمهور، تعیین خبرگان رهبری و در واقع تعیین رهبر، تعیین دستگاههای مختلف، همه درواقع به وسیله‌ی مردم انجام میگردد- این تعیین‌کننده است، این درست است اما فقط این نیست؛ آنچه مهم است، این است که مردم‌سالاری یعنی مردم را در همه‌ی امور زندگی، صاحب رأی و صاحب تدبیر و صاحب تصمیم قرار دادن؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که قبل از انقلاب در این کشور در طول قرنهای متمادی بود. قرنهای متمادی این کشور از خودرأیی طواغیت و سلاطین رنج میبرد، مردم هیچ‌کاره بودند؛ طاغوت و طواغیت دُوروبر طاغوت اصلی، تصمیم‌گیر بودند؛ یعنی استبداد مطلق؛ مردم وسیله‌ای بودند برای اینکه او بتواند تحکم بکند -بالاخره کسی که میخواهد تحکم کند، باید به کسی تحکم کند؛ او مردمند- مردم را نگه میداشتند برای اینکه به آنها تحکم کنند. از اواسط دوران قاجار یک بیماری دیگری هم اضافه شد و آن، سلطه‌ی خارجی و نفوذ خارجی و استعمار خارجی بود. قبلها این دیگر نبود؛ فرض کنید که زمان صفویه یا زمان نادرشاه و دیگران، استبداد بود اما نفوذ بیگانه نبود؛ اما از اواسط دوران قاجار -از اواخر دوران ناصرالدین شاه به این طرف- سلطه‌ی خارجی هم وارد شد؛ یعنی به‌طور دقیق از [سال] ۱۸۰۰ میلادی، نفوذ انگلیس‌ها در ایران شروع شد. نماینده‌ی دولت هند -که دولت انگلیسی بود- وارد کشور شد و من در بعضی از گفته‌ها اشاره کرده‌ام و مفصلاً چیزهایی در این زمینه گفته‌ام، نمیخواهم وارد آن بشوم. نفوذ خارجی همراه شد با استبداد، سلطه‌ی خارجی اضافه شد بر سلطه‌ی طاغوت، کار به جایی رسید که سلسله‌ی قاجار که خودشان هم تحت تأثیر انگلیس‌ها بودند، به وسیله‌ی انگلیس‌ها برداشته شدند، یک سلسله‌ی جدیدی به وجود آمد. رضاخان را انگلیس‌ها آوردند، بعد به دلیلی او را بردند و پسرش را آوردند، بعد هم که آمریکایی‌ها در اواسط کار وارد شدند و همه‌کاری این کشور شدند؛ هزاران مستشار آمریکایی [آمدند]. مردم‌سالاری نقطه‌ی مقابل این است؛ یعنی اجازه نمیدهد استبداد باشد، اجازه نمیدهد که سلطه‌ی خارجی باشد؛ این مردم‌سالاری است.

همانطور که عرض کردیم این مردم‌سالاری فقط در اداره‌ی سیاسی کشور نیست، در خدمات شهر و روستا است؛ در زنده کردن روحیه‌ی کارهای بزرگ در کشور است -که شما نمونه‌ی آن را، مصداق واقعی آن را در تشکیل سپاه پاسداران، در تشکیل جهاد سازندگی، در تشکیل بسیج مشاهده میکنید؛ ناگهان در کشور یک حقیقتی مثل جهاد سازندگی به وجود می‌آید و آن همه کارهای بزرگ را در طول چند سال انجام میدهد؛ [همین‌طور] سپاه پاسداران یا بسیج؛ این، ناشی از حضور مردم است -در پرورش و بُروز استعدادهای مردمی، [یعنی] ظرفیتهای انسانی کشور. حالا شما جوانها که آن زمان را ندیدید، قدیمی‌ترها [میدانند]، از فیلیپین و از هند و مانند اینها برای ما دکتر می‌آمد. در روستاها و راه‌های دور نه، گاهی در شهرهای خیلی نزدیک، برای ما مثلاً از فیلیپین پزشک می‌آمد. یک کشوری که از لحاظ نیروی انسانی در این حد ناتوان بود، آن‌چنان بُروز پیدا میکند که مثلاً فرض کنید در همین زمینه‌ی سلامت، میشود قطب جذاب سلامت در منطقه که برای علاج بیماری‌های دشوار از اطراف منطقه امروز به کشور ما مراجعه میکنند و در بیمارستان‌های ما به دست پزشکان ما معالجه میشوند. استعدادهای بشری بُروز میکند؛ ناگهان



می‌بینید در زمینه‌های فلان دانش کمیاب تازه‌پدید در دنیا، کشور میشود رتبه‌ی چهارم و پنجم دنیا در بین دویست و خرده‌ای کشور؛ این همان مردم‌سالاری است. اثر مردم‌سالاری زنده کردن استعدادها هم هست؛ وقتی مردم وارد میدان شدند، به مردم اعتماد شد، به مردم اعتنا شد، این جوری میشود. حسن اعتماد به نفس ملی در مردم زنده میشود؛ آن وقت در میدانهای علمی پیشرفت میکنند، در میدانهای صنعتی پیشرفت میکنند، در دانشهای نوپدید پیشرفت میکنند، در تأثیرگذاری سیاسی در منطقه پیشرفت میکنند؛ اینها همه ناشی از حضور مردم و تأثیرگذاری مردم بر حوادث کشور است؛ کشور و ملت عظمت پیدا میکند.

امروز شما ببینید، مثلاً فلان کشوری که وابسته‌ی به آمریکا است، روزی ده میلیون بشکه هم نفت می‌فروشد، پول زیادی هم در خزانه‌اش وجود دارد، اما کشورش فقیر است، کشورش عقب‌مانده است، از ملت آن کشور اصلاً هیچ نامی و یادی نیست؛ در آن کشور آنچه برجسته است، چند نفر طواغیتند که در رأسند و از ملت آن کشور در هیچ جای دنیا اثری و خبری نیست که این ملت فلان کار را کردند یا فلان حرکت را کردند؛ اما وقتی مردم‌سالاری دینی هست -مثل جمهوری اسلامی، مثل کشور عزیز ما- در نگاه عمومی [دنیا] به کشور ایران، مردم برجسته‌اند؛ لذا دشمنی دشمنان هم با مردم است. الان آمریکایی‌ها که با ما دشمنند، با شخص این حقیر یا با چند نفر دولتمرد دشمن نیستند، [بلکه] با ملت دشمنند، چون ملت در اینجا همه‌کاره است؛ همه‌ی چیزهایی که آنها را خشمگین میکند و به غیظ و غضب وادار میکند، کارهای ملت است، عظمت ملت است. اهمیت ملت در مردم‌سالاری بالا میرود، یعنی ملت شخصیت پیدا میکند، وجهه‌ی عمومی و دنیایی پیدا میکند، عزت و حرمت پیدا میکند؛ اینها هیچ کدام در دوران طاغوت نبود، اینها در دوران جمهوری اسلامی به برکت انقلاب به وجود آمد.

خب، نتیجه‌ی مردم‌سالاری، پیشرفت کشور است؛ پیشرفته‌ها هم واقعاً خارق‌العاده است. ما دهه‌ی چهارم انقلاب را دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامگذاری کردیم و پیشرفت به معنای واقعی کلمه در کشور اتفاق افتاده است؛ عدالت را نمی‌گویم؛ درمورد عدالت ما عقب‌مانده هستیم؛ در این تردیدی نیست؛ خودمان اعتراف میکنیم، اقرار میکنیم. در دهه‌ی پیشرفت و عدالت بایستی هم در پیشرفت موفق میشدیم، هم در عدالت؛ در پیشرفت به معنای واقعی کلمه موفق شدیم، واقعاً پیشرفت کردیم و در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده است؛ [اما] در زمینه‌ی عدالت، باید تلاش کنیم، باید کار کنیم، باید از خدای متعال و از مردم عزیز عذرخواهی کنیم. درمورد عدالت مشکل داریم و ان شاء الله با همت مردان و زنان کارآمد و مؤمن، در این ناحیه هم پیشرفت خواهیم کرد اما در زمینه‌ی پیشرفت مادی انصافاً کارهای بسیار زیاد و بسیار مهمی انجام گرفته.

پیشرفت این نیست که خارجی‌ها بیایند پول یک کشوری را ببرند و برایشان برج درست کنند؛ اینها پیشرفت نیست. بعضی نگاه میکنند به بعضی از این کشورهای دوروبر ما که ثروشان نفت است، و می‌بینند بله، آنجا فرودگاه فلان جور یا برج فلان جور دارد! نه، این پیشرفت نیست؛ اینکه خارجی‌ها بیایند پول یک کشوری را بگیرند، مردم آن کشور را تحقیر کنند و برایشان برج بسازند، این پیشرفت نیست، این عقب‌رفت است، این خسارت است. امروز بلندترین برج منطقه در بی‌عرضه‌ترین کشور منطقه است! اینکه پیشرفت نشد! پیشرفت این است که یک کشور، یک ملت، با توان خود، با اراده‌ی خود، با تصمیم خود، با دانش خود، با ظرفیت خود، خودش را به صفوف مقدم برساند؛ این پیشرفت است و این در کشور ما بحمدالله اتفاق افتاده است. ما امروز قطب پزشکی و درمان هستیم، رتبه‌ی علمی بالایی در دنیا داریم، صاحب رأی در مسائل منطقه هستیم، در زمینه‌ی هسته‌ای دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینه‌ی نانو دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینه‌ی زیست‌فناوری دانش بالایی پیدا کرده‌ایم، در زمینه‌ی دانشهای مربوط به فضای مجازی رتبه‌ی بالایی پیدا کرده‌ایم، اینها پیشرفت است. بسیاری از جوانهای ما از شدت استعداد، واقعاً منتظر یک اشاره‌اند که اوج بگیرند. یک خرده ما مدیران در این زمینه کوتاهی داریم؛ والا اگر یک خرده بیشتر همراهی کنیم با جوانها، واقعاً پرواز میکنند در زمینه‌های علمی و فنی و خدماتی و کارهای گوناگون؛ همچنان که در



زمینه‌های معنوی پرواز میکنند. ما در زمینه‌ی امنیّت، در زمینه‌ی دفاع، در زمینه‌ی کشاورزی، در زمینه‌ی سلامت، در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی راه‌های مواصلاتی و امثال اینها، خیلی پیشرفت کرده‌ایم و پیشرفت‌مان الحمدلله خوب است؛ دهه‌ی پیشرفت و عدالت، پیشرفت خوب بود. اینها ناشی از انقلاب است. البته چون تبلیغات ما ضعیف است، مردم کشورهای دیگر ممکن است اینها را ندانند؛ [اما] دشمنها خیلی از اینها را میدانند. این را هم عرض بکنم: ما در خیلی چیزها قوی هستیم، [اما] در تبلیغات ضعیفیم؛ در تبلیغات، در بیان آنچه اتفاق افتاده، کم‌کار و ضعیف و کم‌ابتکاریم؛ در این زمینه باید پیشرفت کنیم. لکن آن کسانی که دشمنان ما هستند و همه‌ی مسائل ما را رصد میکنند، آنها می‌بینند پیشرفتهای کشور را، میدانند که کشور چقدر حرکت کرده است، چقدر جلو رفته است.

بنابراین، انقلاب کار بزرگی در کشور انجام داد: کشور را از حالت فلاکت خارج کرد، ملت را از حالت توسری‌خوری و ذلت و سرافکندگی خلاص کرد؛ ملت ما امروز سربلند است و این مهم‌ترین دستاورد برای یک کشور و برای یک ملت است. [البته] از این قبیل زیاد است؛ یک فهرست طولانی وجود دارد، [اما] همین‌طور که عرض کردم، تبلیغات ما ضعیف است. من توصیه می‌کنم مسئولین نه با زبان مبالغه، نه فقط با گزارش زبانی، [بلکه] به صورت عملی، به صورت هنری، گزارشهای صحیح درباره‌ی انواع و اقسام پیشرفتهای کشور را مطرح کنند، تا هم بعضی افرادی که تشکیک میکنند و غافلند، خودشان متوجه بشوند - بعضی هم البته غافل نیستند؛ تعمداً خدشه میکنند - هم مردم جاهای دیگر بفهمند که انقلاب چه به وجود آورده است. این راجع به مسئله‌ی انقلاب.

راجع به آسیب‌شناسی انقلاب هم چون وقت دیگر کم است و به ظهر نزدیکیم، من یک جمله‌ی کوتاه عرض میکنم. یکی از مهم‌ترین آفتهای همه‌ی انقلابها ارتجاع است. ارتجاع یعنی چه؟ یعنی این حرکتی که انقلاب شروع کرده بود و ملت داشتند در این مسیر با نیروی انقلابی و با سرعت حرکت میکردند، در یک جاهایی سست بشوند، بعد متوقف بشوند، بعد برگردند؛ این ارتجاع است؛ ارتجاع یعنی برگشت. همه‌ی انقلابهای بزرگ تاریخ که ما آنها را می‌شناسیم - مثل انقلاب فرانسه، مثل انقلاب روسیه و انقلابهایی که در کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین و جاهای دیگر اتفاق افتاد - تقریباً بدون استثنا در سالهای اوّل عمر خودشان به این بلیّه دچار شدند؛ اینکه چهل سال بگذرد و شعارهای انقلاب دست نخورد، تکان نخورد، در هیچ کدام از این انقلابها وجود ندارد؛ ما توانستیم این شعارها را حفظ کنیم. اما خطرناک است؛ من وظیفه دارم خطر را به مردم عزیزمان بگویم. ما اگر به سمت اشرافیگری حرکت کردیم، این رفتن به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای توجه به طبقه‌ی ضعیف، دل‌سپردگی طبقات مرفّه و زیاده‌خواه در کشور شدیم، این حرکت به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای تکیه‌ی به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت در سمت ارتجاع است؛ این نباید اتفاق بیفتد. نخبگان جامعه باید حواسشان باشد، مدیران جامعه باید حواسشان باشد. مدیران کشور باید بشدت مراقبت کنند، مردم هم نگاه کنند، با حساسیّت دنبال کنند رفتار ماها را، رفتار مدیران را؛ با حساسیّت. ارتجاع چیز خطرناکی است. ارتجاع وقتی اتفاق می‌افتد، معنایش این است که همان آدمهای انقلابی سابق سر کارند اما خط را عوض کرده‌اند، راه را عوض کرده‌اند؛ کأته انقلاب شده بود برای اینکه آنها بروند و ما بیاییم سر کار! برای این [کار] که انقلاب نشد؛ انقلاب یعنی دگرگونی، انقلاب یعنی تغییر مسیر، انقلاب یعنی یک هدفهای والائی را در نظر گرفتن و به سوی آنها حرکت کردن؛ اگر از این هدفها فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست.

بعضی خیال میکنند انقلاب فقط سال ۵۷ بود و تمام شد؛ این خطا است. انقلاب در سال ۵۷ شروع شد، نه اینکه تمام شد؛ آغاز تغییر، آغاز حرکت اصلاحی در جامعه در سال ۵۷ اتفاق افتاد، در بیست و دوّم بهمن اتفاق افتاد و آنجا شروع شد؛ بتدریج این حرکت باید عمیق‌تر، وسیع‌تر، گسترده‌تر، خردمندانه‌تر ادامه پیدا کند، نه اینکه متوقف بشود. این جور نباشد که اگر گفتیم فلانی انقلابی است، از او برداشت منفی بشود؛ یا [اگر گفتیم] فلانی انقلابی است یعنی آدم غیر متفکری است، مثلاً آدم سر به هوایی است؛ نخیر، این‌جوری نیست. بله، نظام اداری کشور محترم است،



قانون اساسی محترم است، باید همه‌ی اصول قانون اساسی رعایت بشود؛ انقلاب در این قالب ریخته شده است، [لذا] این قالب بایستی محترم نگه داشته شود؛ این لازم است. ۴ شهری
www

این هم که ما خیال کنیم انقلاب بدون نظام معنی میدهد، یک خطای دیگری است که از آن طرف، بعضی تصوّر میکنند انسان باید به همه چیز، به همه‌ی حوادث، به همه‌ی بخشهای نظام اسلامی زبان اعتراض و انتقاد و مانند اینها پیدا کند به اسم انقلاب؛ نه، این [صحیح] نیست. انقلاب یعنی نظام انقلابی؛ این نظام اسلامی، همین نظام امت و امامت، نظام مردم‌سالاری دینی باید باشد با هدفهای انقلاب، با حرکت انقلابی، با جهتگیری انقلاب؛ این باید اتفاق بیفتد. خب خوشبختانه ما [افراد] انقلابی کم نداریم و در بین آحاد مردم، انقلاب بحمدالله سکه‌ی رایج است؛ در بین مدیران هم کم نیستند کسانی که به معنای واقعی کلمه طرف‌دار انقلابند. این حساسیتهای نباید از بین برود.

بنده در یکی از سفرها در زمان ریاست جمهوری، رفتم در یکی از کشورهای آفریقایی. چند سالی -مثلاً هفت هشت ده سال- از پیروزی انقلاب در آن کشور گذشته بود؛ این مرد رئیس دولت، یک سیاه‌پوستی بود که رهبر انقلاب و فرمانده انقلاب و حالا هم رئیس دولت بود. من دیدم این رئیس کشور که میزبان ما بود، رفتارش در همان کشور خودش مثل رفتار آن ژنرال پرتغالی‌ای است که قبل از انقلاب اینها بر این کشور حکومت میکرد؛ رفتار، همان رفتار است. ظاهراً این کشور، سابقه‌ی استعمار اسپانیا یا پرتغال را داشت؛ طبعاً یک سیاستمدار نظامی پرتغالی بر این کشور سالها حکومت میکرد، حالا این آقای که رئیس انقلاب است رفتارش مثل رفتار او است! خب این چه انقلابی است؟ نگاهش به مردم، نگاهش به دوروبری‌ها، برخوردش با مخاطبین [همان جور بود]. جمهوری اسلامی از این حالت دور است؛ بحمدالله تاکنون دور بوده، بعد از این هم دور خواهد بود. اشرافیگری مسئولان، امتیازطلبی مسئولان، بی‌مبالاتی به بیت‌المال، بی‌اعتنائی به طبقه‌ی مستضعف، اینها حرکتهای ضدّ انقلابی است. همه‌ی تشکیلات نظام بایستی با نگاه به اهداف انقلاب حرکت بکند.

خب، یک مسئله‌ی مهمی که امروز مطرح است، مسئله‌ی اقتصاد است؛ من اینجا این را هم عرض بکنم. همه‌ی مسئولین و مطلعین و آگاهان و آحاد مردم شاید معتقدند که امروز یکی از مسائل اصلی کشور مسئله‌ی اقتصاد کشور است. خب برای اصلاح اقتصاد کشور چه کار باید کرد؟ یک راه تکیه‌ی به مردم است؛ [یعنی] اقتصاد مقاومتی. این را ما اعلام کردیم، همه‌ی مسئولین کشور هم تصدیق کردند، یعنی هیچ‌کس مخالفت نکرد؛ حالا البته گاهی نقّ و نوقی از گوشه و کنار شنیده میشود، اما آن وقتی که سیاست اقتصاد مقاومتی اعلام شد، همه‌ی مسئولین کشور تصدیق کردند که راه همین است و بس. معنای اقتصاد مقاومتی، محصور شدن و زندانی شدن در داخل کشور نیست؛ نیایند بگویند که «ما می‌خواهیم با دنیا ارتباط داشته باشیم!» خب، در اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد؛ منتها گفته میشود که اعتماد بایستی به مردم باشد؛ اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا. جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعدادهای مردم، امکانات مردم، سرمایه‌های مردم. تدبیری اندیشه بشود که این سرمایه‌ها، این استعدادها، این ظرفیتهای به کار و تولید در داخل و ثروت‌سازی و ایجاد ثروت در داخل بینجامد؛ این تدبیر میخواهد. نگاهمان به خارج نباشد. البته اگر بخواهیم اقتصاد داخلی رونق پیدا کند باید صادرات خوب داشته باشیم، واردات به‌مورد داشته باشیم، ارتباطات اقتصادی داشته باشیم؛ در این تردیدی نیست. سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در داخل باشد؛ بنده مخالف نیستم با اینکه خارجی‌ها بیایند سرمایه‌گذاری کنند، منتها تدبیر کار و سررشته‌ی کار باید دست مدیران داخلی باشد، اینها بایستی تصمیم بگیرند، اینها باید اراده کنند؛ کار سپرده نشود دست بیگانه‌ها. اگر کار دست بیگانه‌ها سپرده شد، سررشته‌ی کار از دست مدیران کشور خارج خواهد شد. حوادث عبرت‌انگیزی در این زمینه اتفاق افتاده است.

در همین تهران، رئیس یکی از کشورهای معروف منطقه -که دیگر نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ یکی از کشورهای



بالتسبه پیشرفته‌ی آسیا که واقعاً پیشرفته‌های اقتصادی خیلی خوبی داشت و رشد بالای اقتصادی داشت- حدود دوازده سال، سیزده سال قبل از این، اینجا آمد و با بنده ملاقات کرد؛ آن وقتی بود که آن زلزله‌ی اقتصادی بزرگ در کشورهای شرق آسیا به وجود آمده بود؛ این [فرد] رئیس یکی از همان کشورها بود. آمد پهلوی من؛ وارد اتاق که شد، جزو اولین کلماتش این بود که گفت «ما در یک شب گدا شدیم». اقتصاد وقتی وابسته‌ی به سرمایه و اراده‌ی یک سرمایه‌دار یهودی و غربی و آمریکایی است، این جوری میشود. یک کشور سرپای با نشاط اقتصادی و دارای رشد اقتصادی بالا، رئیسش به من میگوید که ما در یک شب گدا شدیم! اتکاء به خارج این است. ما خودمان اتکاء به خارجی‌ها را در قضیه‌ی برجام مشاهده کردیم؛ در قضیه‌ی مذاکرات هسته‌ای اعتماد کردیم به اینها و از اعتمادمان سودی نبردیم. خوشبختانه من میبینم مسئولان کشور برخوردهای خوبی دارند و من واقعاً باید تشکر کنم از وزیر خارجه‌مان؛ برخوردش با خبثات آمریکایی‌ها و با یکی به نعل یکی به میخ زدن اروپایی‌ها، برخورد بسیار خوب و قاطعی بوده است؛ بعضی‌اش پخش شده و بعضی‌اش هم پخش نشده است که ما اطلاع داریم؛ برخورد خیلی قوی و خوبی کردند. بله، راه همین است؛ باید برخورد کنند؛ عزت ملی را باید نشان بدهند در ارتباطات خارجی. تکیه‌ی به بیگانه خطرناک است؛ تکیه‌ی به بیگانه موجب میشود که بیگانه با انواع طرق بر سرنوشت کشور بتدریج مسلط بشود؛ تکیه نباید کرد به بیگانه. از بیگانه بهره باید برد، استفاده باید کرد، [ولی] تکیه‌ی به او نباید کرد، اعتماد به او نباید کرد. این از جمله‌ی مسائل بسیار مهمی است که حقیقتاً بایستی همه‌ی مسئولین کشور به آن توجه داشته باشند.

خب، حالا ما در آستانه‌ی چهل سالگی پیروزی انقلابیم. چهل سال زمان زیادی نیست؛ در تاریخ یک ملت، چهل سال چیز زیادی نیست، چیز کمی است. در این چهل سال، ملت ما زحمت زیادی کشیدند؛ واقعاً بر روی سنگلاخ حرکت کردند؛ ما از سال اول -تقریباً از روز اول- تحریم بودیم و این تحریمها به شکلهای مختلف ادامه پیدا کرده است و زیاد شده است. همه‌ی آنچه اتفاق افتاده است -همه‌ی این پیشرفته‌ها- در حال تحریم اتفاق افتاده است، یعنی ما تحریم بودیم و این پیشرفته‌ها را انجام دادیم؛ این نشان‌دهنده‌ی توانایی انقلاب و توانایی ملت ایران است.

ما اولویتهایی داریم: باید مدیریت جهادی را بر دیوان‌سالاری‌های فرسوده ترجیح بدهیم؛ این یکی از اولویتهای ما است؛ اصرار بر مدیریت جهادی. مسئولین کشور در قوه‌ی مجریه، در قوه‌ی قضائیه، در بخشهای مختلف، مدیریت جهادی را دنبال بکنند. مدیریت جهادی به معنای بی‌انضباطی نیست؛ پُرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب‌وروز نشناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است.

در حوزه‌ی سیاست داخلی باید متن مردم را بر اقلیتهای حزبی و مجموعه‌های جناحی و مانند اینها ترجیح بدهیم؛ متن مردم مقدم بر همه.

در باب خدمات بایستی مستضعفان را، مناطق مظلوم را، مناطق دورافتاده را، ترجیح بدهیم بر مرفهین. خوشبختانه در طول این سالها خیلی از مناطقی که هرگز گذر آبادانی به آنجاها نمی‌افتاد، مورد توجه قرار گرفته است؛ هم دستگاه‌های مسئول، هم حتی دستگاه‌هایی که مستقیماً مسئول نیستند. سپاه پاسداران -فرض کنید در سیستان و بلوچستان- کارهای بزرگ خدماتی انجام میدهد؛ باینکه کار سپاه پاسداران کار خدماتی نیست اما خدمات ارائه‌شده‌ی به مردم به وسیله‌ی سپاه در فلان منطقه‌ی محروم واقعاً چشمگیر است. این کارها هست و باید دنبال بشود؛ باید همه‌ی دستگاه‌های کشور، این اولویت را رعایت کنند.

در سیاستهای دفاعی کشور، همه‌ی شیوه‌ها و همه‌ی ابزارهایی که مورد نیاز امروز و فردای کشور است بایستی دنبال بشود و نوسازی بشود. ما یک لحظه نباید تردید بکنیم در اینکه کشور برای دفاع از خود باید به طرف هرچه



احتیاج دارد حرکت کند، ولو همه‌ی دنیا مخالفش باشند. آن کسانی که خودشان با ابزارهای اتمی و هسته‌ای مهلک بشر، دائم بشر را دارند تهدید میکنند، حالا نشسته‌اند به موشکهای جمهوری اسلامی چسبیده‌اند که «چرا شما موشک میسازید!» خب به شما چه؟ وسیله‌ی دفاعی ما است، امکان دفاع کشور است، این ملت باید از خودش بتواند دفاع کند. میگویند شما وسیله‌ی دفاعی نداشته باشید تا ما هرچه خواستیم به شما زور بگوییم، بگوییم! [البته] خود ما یک چیزهایی را حرام میدانیم و دنبال آنها نمیرویم -مثل وسایل هسته‌ای و کشتار جمعی؛ ما دنبال آنها نمیرویم- اما در آنچه برای ما مورد نیاز است، تأمل نمیکنیم، تردید نمیکنیم.

در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملتها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویتهای امروز ما است.

در اقتصاد، مسئله‌ی اشتغال بالاترین مسئله است، مسئله‌ی تولید بالاترین مسئله است. بنده امسال اعلام کردم «تولید و اشتغال»؛ در این زمینه باید تلاش بشود، باید کار بشود؛ همه‌ی مسئولین کشور در این زمینه باید تلاش کنند. امسال البته کارهایی انجام گرفته است، آمارهایی هم داده‌اند، لکن آن چیزی که مورد نظر است، تلاش بیشتری لازم دارد. ما باید کاری کنیم که آمار اشتغال در کشور بالا برود، تولید داخلی در کشور بالا برود؛ علاج اقتصاد در کشور این است.

من میخواهم [مطلبی هم] عرض بکنم برای آینده‌ی کشور؛ بدانید، اولاً جوانها باید خودشان را آماده بکنند؛ از لحاظ علمی، از لحاظ اعتقادی، از لحاظ انگیزه‌های انقلابی، جوانها باید همیشه آماده باشند. جوانها موتور پیشرفت انقلابند؛ از اول هم همین جور بوده است، تا امروز هم همین جور است. خوشبختانه ما امروز جوان دارای عزم و همت و بصیرت، از اول انقلاب بیشتر داریم. نه اینکه به قدر اول انقلاب؛ نخبه، بصیرت جوانهای امروز، عمق معرفت جوانهای امروز، از بسیاری از جوانهای اول انقلاب بیشتر است و ما در این زمینه هیچ کمبودی نداریم؛ این بحمدالله هست. جوانها خودشان را باید آماده کنند؛ این نوجوانهایی که به سمت جوانی میروند باید خودشان را آماده کنند؛ تفکرات انقلابی، انگیزه‌های انقلابی، بصیرت انقلابی، اقدام انقلابی، جزو سرفصل‌هایی است که جوانهای ما باید به یاد داشته باشند.

این را هم همه بدانند که جمهوری اسلامی قوی است؛ جمهوری اسلامی خیلی قوی است. دلیل قوت جمهوری اسلامی این است که چهل سال است همه‌ی دولتهای مستکبر خبیث دنیا میخواهند جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند و هیچ غلطی نتوانسته‌اند بکنند؛ دلیل اقتدار جمهوری اسلامی همین بقای جمهوری اسلامی در این چهار دهه است؛ با این فضای نامساعد، با این وضعی نامساعد، با این دشمنی‌های بزرگ؛ جمهوری اسلامی زنده است. بنابراین، این نشان‌دهنده‌ی این است که این نهال، امروز به درخت تناوری تبدیل شده است که نمیتواند آن را از جای خودش تکان بدهند؛ این بنا، بنای بسیار رفیع و مستحکمی است و قوی‌تر هم خواهیم شد. این را شما بدانید! جمهوری اسلامی قوی‌تر خواهد شد. تهدیدها را میدانیم، حرفها را می‌شنویم، حرفهایی که علنی میگویند به گوش ما میرسد، حرفهایی هم که گاهی اوقات مخفی در محافلشان میگویند بعضی اوقات به گوش ما میرسد، میدانیم علیه ما چه توطئه میکنند اما با همه‌ی اینها، من همان حرف امام را تکرار میکنم که «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند». (۷) خیلی از دیدار شما عزیزان خوشحال شدیم و به همه‌ی مردم عزیزمان در تبریز «مثن ده سلام یتیرین». (۸)

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



۱) در ابتدای این دیدار، حجت الاسلام والمسلمین سید محمدعلی آل هاشم (نماینده ی ولیّ فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه ی تبریز) مطالبی بیان کرد.

www.leader.ir

۲) اشاره به مدّاحی و شعرخوانی دسته جمعی حاضران، قبل از شروع بیانات.

۳) امالی صدوق، ص ۱۲۵

۴) کافی، ج ۱، ص ۴۵۹

۵) عَلم پاک انقلاب، چهل سال است که مأمَن ما است.

۶) سوره ی نساء، بخشی از آیه ی ۷۶؛ «کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا کارزار میکنند و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت میجنگند...»

۷) صحیفه ی امام، ج ۱۰، ص ۵۱۵

۸) سلام من را برسانید.